

فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش‌های ادبی- قرآنی»
سال سوم، شماره دوم (تابستان ۱۳۹۴)
بینامتنی قرآنی و روایی در شعر مهیار دیلمی
قاسم مختاری^۱ و فریبا هادی‌فرد^۲

چکیده:

نظریه‌ی «بینامتنی» رویکردی است که به روابط بین متونی پرداخته و موجب آفرینش متن جدید می‌شود. هر متن خود بینامتنی است که ریشه در متون گذشته داشته و در متون آینده نیز تأثیر خواهد داشت. این نظریه در دهه‌ی شصت قرن بیستم توسط ژولیا کریستوا بین سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ میلادی مطرح شد.

ظهور آیات قرآن کریم و سخنان گهربار پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) در کلام شاعر برجسته‌ی شیعه، مهیار دیلمی، قبل از هر امری، نشانگر تأثیر پذیری وی از مضامین قرآن و سخنان آن بزرگواران بوده است و همین امر ما را بر آن داشت تا به بررسی روابط بینامتنی بین اشعار مهیار دیلمی و قرآن کریم و کلام پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) بپردازیم. در این نوشتار گزیده‌ای از اشعار مهیار مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه‌ی بررسی و تحلیل این روابط نشان می‌دهد که این اشعار، به تناسب موضوع، با تأثیرپذیری آگاهانه از آیات قرآنی و سخنان گهربار پیامبر (ص) صورت گرفته است. اجرای عملیات بینامتنی، نشان دهنده‌ی این امر است که بیشترین شکل بینامتنی قرآنی و روایی در این اشعار، به صورت نفی جزئی یا اجترار و نفی متوازی یا امتصاص بوده است.

کلید واژگان: قرآن، روایت، بینامتنی، مهیار دیلمی.

**تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۰۵

۱- نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک q-mokhtari@araku.ac.ir

hadifardfariba@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

مقدمه:

قرآن کریم از آغاز نزول تا کنون به دلیل حیاتی بودن و «برخورداری از جمال لفظی و معنوی غیر قابل وصف، و نیز به دلیل موسیقی درونی که در لابه‌لای واژگان و پیوستگی آیات دیده می‌شود» (الفخوری، ۱۳۸۵: ۳۳۲)، همواره الگوی بسیاری از شاعران و ادیبان و بزرگان دین بوده است و در هر دوره، اصحاب شعر و ادب به فراخور ذوق و استعداد خود، از گنجینه بی‌پایان واژگان، سبک، معانی و درون‌مایه‌ی آن بهره برده‌اند. در حقیقت استفاده از آیات و مفاهیم قرآنی در شعر هر دوره ضرورت به شمار می‌رفته؛ چرا که شعرهایی بیشترین تأثیر را داشتند که در پروردن مضامین آنها، از آیات قرآنی و یا حتی احادیث پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ص) استفاده می‌شد. این که یک شاعر تا چه حد در شعر خود از آیات و احادیث استفاده نموده، بستگی به فهم و درک و آشنایی شاعر نسبت به قرآن و گفتار پیامبر دارد. مهیار دیلمی از جمله شاعرانی بوده که در برخی از اشعار خود، به طور مستقیم و یا غیر مستقیم از آیات قرآنی استفاده کرده است. این نوشتار میزان بهره‌مندی از آیات قرآنی و سخنان گهربار پیامبر (ص) را در اشعار مهیار دیلمی با توجه به نظریه «بینامتنی» مورد بررسی قرار داده است.

در آثار نظریه‌پردازان روس، میخائیل باختین^۱ فکر «منطق مکالمه و گفتگو» را وارد عرصه‌ی ادبی نمود. در این میان تلاش ژولیا کریستوا^۲ در پیوند نظریات سوسور و باختین، در زمینه‌ی ادبیات باعث شد که اصطلاح «بینامتنی» برای نخستین بار در اواخر دهه‌ی شصت تبیین شود (ر.ک: تزوتان، ۱۳۸۲: ۱۲۱ با تصرف). این درحالی است که این نظریه توسط ژولیا کریستوا بین سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ مطرح و مورد توجه ناقدان قرار گرفت (ر.ک: جمعه، ۲۰۰۳: ۱۳۹).

۱- میخائیل میخائیلویچ باختین (۱۸۹۵-۱۹۷۵)، فیلسوف و متخصص روسی ادبیات بود که آثار تأثیرگذاری در حوزه‌ی نقد و نظریه‌ی ادبی و بلاغی نوشته که الهام بخش گروهی از ساختارگرایان، پساساختارگرایان و نشانه‌شناس‌ها بوده است (مختاری، ۱۳۷۹: ۲۱۳).

۲- ژولیا کریستوا (۲۴ ژوئن ۱۹۴۱) فیلسوف، منتقد ادبی، روان‌کاو، فمینیست و رمان نویس بلغاری^۳ فرانسوی است که یکی از پیشگامان ساختارگرایی، هنگام اوج این نظریه در علوم انسانی بود. کارهای وی همچنین جایگاه مهمی در اندیشه پساساختارگرایی دارد (همان: ۲۱۳).

«اصطلاح بینامتنی که توسط ژولیا کریستوا مورد استفاده قرار گرفت، به معنای شیوه‌های متعددی است که هر متن ادبی به واسطه‌ی آن به طور تفکیک ناپذیری با سایر متن‌ها از رهگذر نقل قولهای آشکار و پنهان یا تلمیحات یا جذب مؤلفه‌های صوری و ملموس از متن‌های پیش از خود و یا به لحاظ مشارکت اجتناب ناپذیر در ذخیره مشترک شیوه‌های ادبی تداخل می‌یابند. در نتیجه‌گیری کریستوا، هر متنی در حقیقت یک «بینامتن» (intertext) است، یعنی جایگاهی است از تلاقی متن‌های بی‌شمار دیگر، حتی متن‌هایی که در آینده نوشته خواهند شد» (داد، ۱۳۷۸ : ۴۲۴).

ژولیا کریستوا، تأثیر پذیری متنی از متن دیگر را برای تمام متون امری اجتناب ناپذیر می‌داند. از نظر وی « هر متن همچون معرفی از نقل قول‌ها ساخته می‌شود و هر متنی به منزله‌ی جذب و دگرگون سازی متنی دیگر است» (کریستوا، ۱۳۸۱ : ۴۴).

هر یک از متونی که در جریان بینامتنی (میان متن، میان بافت) با متون دیگر ارتباط می‌یابد، در آنها تغییر صورت می‌گیرد. بینامتن می‌تواند به شکل تلمیح، کنایه، سبک مشترک و هر گونه تأثیر پذیری باشد (سبزیان مرادآبادی و کزازی، ۱۳۸۸ : ۲۸۲).

این پدیده در زبان عربی «تناس» نامیده می‌شود که از نظر صرفی بر وزن تفاعل است و دلالت بر مشارکت می‌کند. پس تناس یعنی مشارکت و تداخل متنی در متن دیگر جهت بوجود آمدن متنی جدید (ر.ک: جابر، ۲۰۰۷ : ۱۰۸۰).

«اگرچه مترجمان عرب، هنوز به ترجمه‌ی واحدی برای اصطلاح بینامتنی (intertextuality) دست نیافته‌اند، ولی برخی آن را «التناس» و عده‌ای «التنصیبه» و گروهی «النصوصیه» نامیده‌اند» (مختاری، ۱۳۸۹ : ۲۱۱).

بنابراین، در ابتدا به بررسی اجمالی نظریه‌ی بینامتنی پرداخته خواهد شد و سپس با اجرای عملیات بینامتنی، به بیان نمونه‌هایی از بینامتنی قرآنی و روایی در گزیده‌ای از اشعار مهیار دیلمی همت گماشته می‌شود.

نظریه‌ی بینامتنی (تناس) (intertextuality)

«اصل اساسی بینامتنی این است که هیچ متنی بدون ارتباط با متن‌های دیگر شکل نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، هر متنی خود از پاره‌های متن‌های گذشته تشکیل می‌شود و بر آن استوار است» (نامورمطلق، ۱۳۸۵: ۲۴).

سوالاتی که در ذهن، در پیوند میان متون شکل می‌گیرد، می‌تواند چنین باشد:

آیا بی‌یاری دیگر اندیشه‌ها می‌توان اندیشید؟ آیا بی‌اشاره به دیگر نوشته‌ها می‌توان نوشت؟

در واقع پذیرش پاسخ منفی به این پرسش‌ها، خود به معنای به رسمیت شناختن مفهومی است که امروزه آن را «بینامتنی» می‌نامند.

«اصطلاح بینامتنی به رابطه‌ای اطلاق می‌شود که بین دو یا چند متن وجود دارد. این رابطه در چگونگی درک «درون متن» مؤثر است. درون متن، متنی است که متون دیگری را در خود جای می‌دهد و یا حضور آنها را منعکس می‌سازد. از دیرباز اظهار نظر راجع به آفرینش‌های ادبی شامل ارجاعاتی به دیگر متون بوده که غالباً با متن مورد مطالعه در تشابه و یا تضاد بوده-اند» (مکاریک، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

بینامتنی بر این اصل استوار شده که متن‌های گوناگون در شکل‌گیری متون نوین نقش دارند و می‌توان حضور برخی از آنها را لمس کرد. بینامتنی، به عنوان یک اصطلاح ادبی، منحصر به مباحث هنرهای ادبی نبوده است. این اصطلاح در مباحث سینما، تولیدات فرهنگی و هنری نیز مطرح می‌شود (ر.ک: گراهام، ۱۳۸۵: ۲۴۷).

روابط بینامتنی در گزیده‌ای از اشعار مهیار دیلمی:

برای بررسی این روابط، نیاز به چند عنصر بینامتنی نیاز است؛ از جمله:

✓ متن حاضر: ← هرمتن یا متن موجود (فرازهایی از اشعار مهیار دیلمی)

✓ متن غایب: ← متن مفقود یا متن تأثیر گذار (آیات قرآن کریم و سخنان گهربار

پیامبر (ص) و امام (ع))

✓ عملیات بینامتنی: ← روابط بین دو متن. کوچ لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر عملیات بینامتنی نام دارد که تبیین آن، مهمترین بخش نظریه بینامتنی در تفسیر متون است.

معادله هر متن ادبی در بینامتنیت: ← هر متن = متن حاضر؛ عبارت است از جذب و دگرگونی = عملیات بینامتنی؛ از بسیاری متون دیگر = متن پنهان (ر.ک: میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۰۶).

باز آفرینی متن پنهان یا حضور آن در متن حاضر به سه صورت انجام می‌گیرد که از آن به عنوان قانون‌های سه گانه بینامتنی نام برده‌اند. این قوانین سه گانه روابط بین متن حاضر و غایب را تفسیر می‌کند (همان: ۳۰۶).

قانون های سه گانه بینامتنی:

❖ نفی جزئی یا اجترار:

وجود جزئی از متن غایب در متن حاضر که ممکن است تعامل بین دو متن به صورت یک جمله یا یک عبارت و یا یک کلمه باشد.

❖ نفی متوازی یا امتصاص:

در این وجه، متن پنهان پذیرفته شده و به صورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهره‌ی آن تغییر نکرده و وجود کلمات کلیدی ذهن مخاطب را به سمت متن غایب رهنمون می‌سازد.

❖ نفی کلی یا حوار:

این نوع از روابط، بالاترین درجه‌ی بینامتنی^۱ است و نیاز به خوانشی آگاهانه و عمیق دارد که متن پنهان را دریابد. متن پنهان بازآفرینی شده و متن حاضر به گونه‌ای بر خلاف معنای متن پنهان به کار رفته است (ر.ک: میرزایی، ۱۳۸۸: ۲۱۱).

۱- اشکال دیگری از روابط بینامتنی از جمله: تناص طبیعی یا تلقائی، تناص داخلی، تناص خارجی، تناص آشکار و تناص پنهان یا ناخودآگاه نیز وجود دارد. به جزء این موارد، موارد دیگری را نیز شامل می‌شود. از جمله تناص ترکیبی که منظور

مهیار دیلمی: (؟- ۴۲۵ هـ)

ابوالحسن مهیار بن مرزویه دیلمی. وی پیرو آیین زردشت بود، و در سال ۳۹۴ هجری با راهنمایی استادش شریف رضی، به دین اسلام گروید. چنانچه از اشعارش پیداست، فارسی الأصل است و از دیار دیلم [گیلان]. در شعرش به اصل و نسب ایرانی و مسلمانی و پیرویش از مذهب تشیع افتخار می‌کند:

وَأَبِي كَسْرَى عَلِيٍّ إِيْوَانِهِ	أَيْنَ فِي النَّاسِ أَبٌ مِثْلُ أَبِي
سُورَةُ الْمَلِكِ الْقَدَامِي وَ عَلِي	شرف الاسلام لي و الأدب
قَدْ قَبَسْتُ الْمَجْدَ مِنْ خَيْرِ أَبٍ	وَقَبَسْتُ الدِّينَ مِنْ خَيْرِ نَبِي
وَضَمَمْتُ الْفَخْرَ مِنْ أَطْرَافِهِ	سُودَدَ الْفَرْسِ وَ دِينَ الْعَرَبِ

وی از برجسته‌ترین سرایندگان خاندان آل بویه بود و تمام عمر خود را در روزگار حکمرانی این خاندان گذراند. در پنجم جمادی الآخر سال ۴۲۸ هجری درگذشت (ر.ک: مختاری، ۱۳۸۴: ۱۸۲؛ البستانی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۹۸؛ الفخوری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۷۰؛ ذکوتی قراگزلو، ۱۳۷۲: ۳۲-۲۸؛ نسیم، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۵).

روابط بینامتنی گزیده‌ای از اشعار مهیار دیلمی با آیات قرآن کریم و سخنان گهربار پیامبر (ص) و امام علی (ع):

متن حاضر:

إِذَا نَظَرَ الْحَبِيبُ بَعَيْنِ عَطْفٍ	فَأَهْوَنُ نَاطِرٍ عَيْنِ الرَّقِيبِ
---	--------------------------------------

(مهیار دیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۹)

از آن ترکیبی از تناس‌های دیگر مثلاً اینکه یکی متنی هم از تناس لفظی بهره برده باشد و هم از تناس مضمونی. یا تناس واژگان بدین معنا که از خود الفاظ برای ایراد کلام استفاده نمودن. تناس شخصیتی و حتی تناس عناوین (از خود عناوین برای بیان مقصود بهره می‌برد) را نیز می‌توان نام برد (ر.ک: میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۰۶ با تصرف).

ترجمه: اگر دوست به دیده‌ی عطوفت بنگرد، درمی‌یابد که مهربان‌ترین نگاه، نگاه ناظر و رقیب است که نگاه خداوند می‌باشد.

متن غایب: الف (..وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبًا) (الأحزاب/۵۲)

ترجمه: و خداوند ناظر و مراقب هر چیز است .

متن غایب: ب (مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَ أَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ) (المائدة/۱۱۷)

ترجمه: من، جز آنچه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آنها نگفتم، به آنها گفتم: خداوندی را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست و تا زمانی که در میان آنها بودم، مراقب و گواهشان بودم، ولی هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی، تو خود مراقب آنها بودی و تو بر هر چیز گواه هستی.

عملیات بینامتنی: در این فراز از شعر، مهیار چنین بیان می‌کند که نیت انسان از دید خداوند پنهان نیست. خداوند شاهد و ناظر بر اعمال بندگان است. مسلماً خداوند متعال انسان‌ها را در روز قیامت به دلیل اعمال خوب و بد آنها، مورد محاسبه قرار می‌دهد. این امر مهم را مهیار به گونه‌ای زیبا با استفاده از واژگان « **الرقیب، الحبيب** » با بهره‌گیری کاملاً آگاهانه از آیات قرآنی بیان می‌کند. این در حالی است که آیه‌ی ۵۲ سوره‌ی احزاب نیز به همین امر اشاره دارد، مبنی بر این که قبیله‌های مختلف قصد داشتند که با اختیار خود، همسرانی را به عقد پیامبر درآورند و از این طریق هم به پیامبر نزدیک شوند و هم به اهداف سیاسی خود برسند، ولی همان طور که در پایان آیه نیز آمده است، خداوند بر اعمال و نیت‌های آنها آگاه است و مانع از انجام چنین هدف آنها خواهد شد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۱۷: ۳۹۲-۳۹۰؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۰۹؛ الزمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۶۹۶ (سوره‌ی مائده)؛ الزمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۵۴۴ (سوره‌ی احزاب)؛ طبرسی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۶۱). پس می‌توان چنین گفت که روابط بینامتنی در این فراز از شعر مهیار، هم از نوع نفی جزئی بوده؛ چرا که کلید واژگانی چون «**الرقیب**،

الحبیب» ذهن مخاطب را به سوی متن غایب رهسپار می‌کند و هم از نوع نفی متوازی می‌باشد؛ چرا که مهیار از مضمون آیات مذکور برای بیان مقصود بهره برده است.

متن حاضر:

وَوُدُّ «سَلْمَانَ» أَعْطَاهُ قِرَابَتَهُ يَوْمًا وَ لَمْ تُغْنِ قُرْبَى عَنْ أَبِي لَهَبٍ

(مهیار الدیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ۲۴)

ترجمه: دوستی و محبت سلمان نسبت به پیامبر در آن روز، باعث قربات و نزدیک شدنش به پیامبر شد و خویشاوندی ابو لهب با پیامبر سودی برایش در برداشت.

متن غایب: الف (تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ) (المسد/۲ و ۱)
ترجمه: بریده باد هر دو دست ابولهب، هرگز مال و ثروتش و آنچه را به دست آورد، به حالش سودی نبخشید.

متن غایب: ب (إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالْأَنْبِيَاءِ أَعْلَمُهُمْ بِمَا جَاءُوا بِهِ ... ثُمَّ قَالَ إِنَّ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ إِنَّ بَعْدَتْ لُحْمَتُهُ وَ إِنَّ عَدُوَّ مُحَمَّدٍ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَ إِنَّ قُرْبَتُ قِرَابَتِهِ) (نهج البلاغه: حکمت ۹۶)

ترجمه: و فرمود: نزدیک‌ترین مردم به پیامبران، داناترین آنان است، به آنچه که آورده‌اند. سپس فرمود: دوست محمد (ص) کسی است که خدا را اطاعت کند، هر چند پیوند خویشاوندی او دور باشد و دشمن محمد (ص) کسی است که خدا را نافرمانی کند، هر چند خویشاوند نزدیک او باشد.

متن غایب: ج (الْعُلَمَاءُ قَادَةٌ وَ الْمُتَّقُونَ سَادَةٌ وَ مُجَالِسَتُهُمْ زِيَادَةٌ) (نهج الفصاحه، کلمات قصار ۹۷۴).

ترجمه: دانشوران پیشوایان و پرهیزکاران سروراند و مصاحبت‌شان مایه‌ی فزونی است.

عملیات بینامتنی: با دقت و امعان نظر در این بیت از شعر مهیار، می‌توان چنین بیان داشت که مضمون بیت به این امر اشاره دارد که، تقوا ملاک برتری انسان است و فقط اعمال نیک انسان باعث رستگاری او خواهد شد، و به سبب تقواست، که انسان می‌تواند به بالاترین مراتب انسانیت برسد؛ تا جایی که پیامبر (ص) نیز در سخنان گهر بار خود چنین کلامی را بر زبان بیان می‌کند که « مصاحبت و همنشینی با دانشوران و پرهیزکاران، خود عاملی از عوامل ارتقای سطح معنوی و مایه‌ی فزونی تقوا در انسان است» (نهج الفصاحه کلمات قصار ۹۷۴). جای هیچ شکی نیست که پیامبر (ص) خود پرهیزکار و با تقوا بوده است و به همین دلیل است که سلمان در همنشینی با آن بزرگوار، بر علم، ایمان و عقلش افزوده می‌شده است. در فراز دوم از بیت در حقیقت از سرگذشت ابولهب که از خویشاوندان نزدیک پیامبر بوده، سخن به میان آورده است. مبنی بر این که او خط مکتبی و اعتقادی خود را از پیامبر جدا کرد، همچون سایر منحرفان و گمراهان مورد سرزنش قرار گرفت و به عکس افراد دورافتاده‌ای بودند که نه تنها از بستگان پیامبر محسوب نمی‌شدند، بلکه از نژاد و زبان او هم نبودند، ولی بر اثر پیوند فکری و اعتقادی و عملی آنقدر نزدیک شدند که طبق حدیث معروف «سلمان منا اهل البیت»، گویی جزء خاندان پیامبر شدند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲۷: ۴۲۴؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۶: ۵۸۸؛ الزمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۸۱۴؛ الطبرسی، ۱۳۵۹، ج ۲۷: ۳۴۶). ابولهب «بر اموال و ثروت خود در کوششهای ضد اسلامیش تکیه می‌کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲۷: ۴۱۹). نه از اوامر خداوند متعال فرمانبری می‌کرده، نه از دوستی و همنشینی با پیامبر بهره برده است. در حقیقت با توجه به این خصوصیات، او به عنوان دشمن پیامبر شناخته شده بود، هر چند که همیشه بدون هیچ ترسی مانعی سر راه پیامبر برای به هدف نرسیدن آن حضرت می‌تراشیده، ولی از آنجا که خداوند متعال (لا یهدی القوم الظالمین) است، هیچ‌گاه نقشه‌های شوم آنها را به سرانجام نمی‌رساند. این در حالی است که امام علی (ع) در سخنان گهربار خود به طور ضمنی به همین امر اشاره دارد و چنین بیان می‌کند که دوست پیامبر (ص) کسی است که خدا را اطاعت کند، هر چند پیوند خویشاوندی او دور باشد- سلمان- و دشمن پیامبر (ص) کسی است که خدا را نافرمانی کند، هر چند خویشاوند نزدیک او باشد- ابولهب- (نهج البلاغه، حکمت ۹۶) در این فراز از شعر، مهیار این حقیقت را تأکید می‌کند که خویشاوندی، در صورتی که با پیوند مکتبی همراه نباشد، کمترین ارزشی ندارد. بنابراین مهیار در این فراز از شعر خود با تکیه و استناد به آیات الهی و احادیث پیامبر (ص) و کلام امام علی (ع) به طور زیبایی از متن آیات

برای بیان مقصود بهره برده است. پس در بررسی روابط بینامتنی می‌توان چنین بیان داشت که این رابطه‌ی بینامتنی هم از نوع نفی جزیی بوده؛ چراکه کلمات کلیدی موجود در متن حاضر مانند « **سَلْمَانَ ، قِرَابَتَهُ ، قُرْبَى ، أَبِي لَهَبٍ** » تأیید کننده‌ی این امر است که متن حاضر با تأثیرپذیری کاملاً آگاهانه از متن غایب بهره گرفته، و هم از نوع نفی متوازی بوده؛ چرا که از مضمون آیه نیز استفاده نموده است.

متن حاضر:

كَمَا إِقْتَرَحَتْ حَرْبَهُمْ وَ سَلِمَهُمْ شَدُّوا رِبَاطَ الْخَيْلِ أَوْ شَدُّوا الْحَبَا

(مهیار الدیلمی ، ۱۴۲۰ق، ج: ۱، ۱۰۹)

ترجمه: آنچنان که به آنها پیشنهاد کردی، در هنگامه‌ی نبرد با فراهم آوردن وسایل و نیرو، آماده جنگ می‌شوند و هنگام صلح آماده عطا و بخششند.

متن غایب: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِّنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...) (الأنفال/ ۶۰)

ترجمه: هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید و (نیز) اسبهای ورزیده را (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد.

عملیات بینامتنی: این بیت از شعر مهیار، اشاره‌ی کاملاً صریح به آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی انفال دارد، مبنی بر این که، آیه‌ی مذکور آمادگی افراد را برای مقابله با دشمنان بیان می‌کند، و در حقیقت به امر مهم اشاره دارد که مسلمانان نباید در انتظار بمانند تا دشمن حمله کند و سپس آماده‌ی مقابله شوند؛ بلکه باید از پیش، به حدّ کافی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن آمادگی داشته باشند؛ چرا که این مهم، یک اصل اساسی در زمینه‌ی جهاد اسلامی و حفظ موجودیت مسلمانان می‌باشد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج: ۷، ۲۲۱؛ الطبرسی، ۱۳۵۰، ج: ۱، ۲۵۰؛ الزمخشری، ۱۴۰۷ق، ج: ۲، ۲۳۲). این در حالی است که شاعر با بهره‌گیری از آیه‌ی مذکور، توانسته با کلامی شیوا به بیان مقصود خود پرداخته، ذهن مخاطب را متوجه این امر سازد که

این قومی که من در میان آنان زندگی می‌کنم، مردمانی می‌باشند که برای رویارویی با دشمنان آمادگی کامل دارند و نیز در زمان صلح آماده‌اند برای عطا و بخشش. با امعان نظر در این بیت، می‌توان چنین گفت که مهیار برای نافذ کردن شعر خود، در ذهن مخاطب، از فرازی از این آیه با تأثیر پذیری کاملاً آگاهانه استفاده نموده است. رابطه‌ی بینامتنی این فراز از شعر مهیار با آیات قرآنی هم می‌تواند از نوع نفی جزئی باشد؛ مبنی بر این که کلمات کلیدی موجود در متن حاضر «**شدوا، رباط الخیل**» اشاره به متن غایب را برای مخاطب ساده‌تر کرده، و هم نفی متوازی؛ چرا که شاعر از مضمون آیه نیز بهره برده است.

متن حاضر:

هُمُ عَقْرُوها إِذْ تَعَاطَوْا فَعَدَّبُوا وَ رَأَيْكَ فِيهِمْ «صَالِحٌ» وَ هُمُ السَّقْبُ

(مهیار الدیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۳۱).

ترجمه: آنان آن ناقه را پی کردند، آن هنگام که بدین کار دست زدند، پس مورد عذاب واقع شدند و حکم تو درباره‌ی آنها بسان حکم صالح و آنان در حکم بچه شترند.

متن غایب: (فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَ قَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ) (الأعراف/ ۷۷)

ترجمه: سپس ناقه را پی کردند، و از فرمان پروردگارش سرپیچیدند و گفتند: ای صالح! اگر تو از فرستادگان (خدا) هستی، آنچه ما را با آن تهدید می‌کنی، بیاور.

عملیات بینامتنی: این فراز از شعر، اشاره به سوره‌ی اعراف / ۷۷ دارد. مبنی بر این که موضوع این آیه در سوره‌ی مذکور، این است که در زمان حضرت صالح، ثروتمندان متکبر و خودخواه از ایجاد تزلزل در پایه‌های ایمان توده‌های مردم مأیوس شدند، و از سوی دیگر می‌دیدند با وجود «**ناقه**» که معجزه‌ی صالح محسوب می‌شد، توطئه‌های آنها به جایی نمی‌رسد؛ بنابراین تصمیم به نابودکردن ناقه گرفتند و قبل از هر چیز آن را پی کردند و از فرمان خدا سر برتافتند و به این امر قناعت نکردند؛ بلکه به سراغ صالح آمدند و به او گفتند که اگر تو فرستاده‌ی خدا هستی هر چه زودتر عذاب الهی را به سراغ ما بفرست (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۶: ۲۳۸)؛

الزمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۲۲؛ الطبرسی، ۱۳۵۰، ج ۹: ۱۵۸). در واقع مهیار نیز در شعر خود به همین مطلب اشاره دارد. رابطه‌ی بینامتنی می‌تواند از نوع نفی متوازی و نفی جزیی باشد.

متن حاضر:

مِنْ الْبِهِمِ لَوْ طَلَبَ النُّطْقَ ضَلَّ
وَفِي الْأَنْبِيَاءِ إِذَا مَا طَلِبَ

(مهیار الدیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۳۳).

ترجمه: از حیوانات زبان بسته است، اگر راه سخن گفتن را بجوید، گمراه شود و در سوره‌ی الانبیاء است، اگر خواسته شود.

متن غایب: (وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ) (الأنبياء/۸۷)

ترجمه: یونس را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت. (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت) در آن ظلمتها صدا زد: خداوندا! جز تو معبودی نیست، منزه‌ی تو، من از ستمکاران بودم.

عملیات بینامتنی: این بیت از قصیده‌ی مهیار، اشاره به داستان حضرت یونس (ع) دارد، زمانی که در بطن آن ماهی غول‌پیکر به دام افتاده بود. گفته شده که این آیه تشبیه حال کسی است که گمان می‌کند در دوری گزیدن از قوم خود، بدون انتظار فرمان ما، بر او تنگ نخواهیم گرفت و یا این که فکری شیطانی به وهم او خطور کرد و برای مبالغه در این موضوع از «ظنّ» تعبیر کرده است (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۴۶۷-۴۶۶؛ الطبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۶: ۵۷) این در حالی است که مهیار، موضوع گرفتار شدن آن حضرت را با کلماتی بسیار زیبا بیان نموده و آن را در چند بیت بر زبان جاری می‌کند. کلمات کلیدی همچون «الأنبياء، طلب النطق» ذهن را به سوی متن غایب می‌کشاند. گفته شده که این بیت «اشاره‌ی صریح هم به سوره‌ی الانبیاء و هم به آیه‌ی مذکور دارد» (مهیار الدیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۳۳). پس رابطه‌ی بینامتنی هم نفی متوازی بوده و هم نفی جزیی.

متن حاضر:

خَلَفْتُ بِمُسْتَنِّ الْبَطَاحِ وَمَا حَوَتْ
 أُسَابِيعُهَا مِنْ مَنَسَكٍ وَحَصِيْبِهَا
 وَبِالْبَدَنِ مُهْدَاهُ تُقَادُ رِقَابِهَا
 مُوقَفَةٌ أَوْ وَاجِبَاتٌ جُنُوبِهَا

(همان : ۴۶).

ترجمه: سوگند به سرزمین «بطاح» و سوگند به مناسک و شعائر این سرزمین مقدس که انجام آنها، هفته‌ها به‌درازا می‌کشد و سوگند به شتران فربه و هدیه داده شده که به سوی کعبه روانند، و یا آنها که به عنوان «قربانی» ذبح شده‌اند.

متن غایب: (وَ الْبَدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَأَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَأِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) (الحج/۳۶) ترجمه: و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از واجبات الهی قرار دادیم. در آنها برای شما خیر و برکت است. نام خدا را (هنگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستاده‌اند بر آنها ببرید؛ و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت (و جان دادند)، از گوشت آنها بخورید، و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید. این گونه ما آنها را مسخرتان ساختیم، تا شکر خدا را بجا آورید. عملیات بینامتنی: در بررسی روابط بینامتنی این فراز از شعر مهیار، می‌توان چنین گفت که با توجه به کلید واژگانی که در این بیت‌ها وجود دارد، از جمله « أُسَابِيعُهَا مِنْ مَنَسَكٍ، الْبَدَنِ، تُقَادُ رِقَابِهَا، وَاجِبَاتٌ جُنُوبِهَا » شاعر قصد این را داشته است که علاوه بر اشاره نمودن به مناسک و اعمال حج، این نکته مهم را متذکر شود که، ایثار و فداکاری یعنی گذشتن از بهترین و با ارزش‌ترین چیزها.^۱ این در حالی است که در هنگام انجام اعمال حج، شخص مُحرم باید اموال بهادار را قربانی کند تا اعمال او به نحو احسن

- انسان‌ها بیشتر به مال خود وابسته هستند. این در حالی است که خداوند متعال نیز به صراحت به این امر اشاره داشته است. این امر مهم در سوره‌هایی نظیر کهف/۴۶ و فجر/۲۰ اشاره شده است (الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا) وَتُحْيُونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا) با امعان نظر در این آیات می‌توان دریافت که در سوره کهف علت تقدیم مال بر فرزندان این است که انسان‌ها مال و دارایی را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند.

انجام گیرد. بنابراین، شاعر زبردست با به کاربردن چنین کلماتی در شعر خود، قصد اهتمام کردن به آیات الهی (آیات مذکور) را داشته است. در بررسی روابط بینامتنی، می‌توان گفت که هم از نوع نفی جزیی بوده و هم نفی متوازی؛ چرا که وجود پاره‌ای از کلمات کلیدی در شعر، ذهن مخاطب را به متن غایب رهنمون می‌سازد و هم این که شاعر توانسته از مضمون آیات برای بیان مقصود خویش بهره گیرد.

متن حاضر:

هَذِي ثِمَارُ الْجِلْمِ مُجَلَّبَةٌ فَتَهَنُّهَا وَتَتِيجُهُ الصَّبْرُ
وَعَوَاقِبُ الْحُسْنَى وَوَاحِدَةٌ الـ حَسَنَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ بِالْعَشْرِ

(مهیار الدیلمی ، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۳۳۰).

ترجمه: این عزت و افتخار ، ثمره و نتیجه‌ی بردباری و صبریست که شوق برانگیز است؛ پس از آن بهره گیر. این در حالی است که پادش کار نیک نزد خداوند ده برابر است.

متن غایب: الف (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ) (الأنعام/۱۶۰)

ترجمه: هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز به مانند آن، کیفر نخواهد دید و ستمی بر آنها نخواهد شد.

متن غایب: ب (مَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يَخْصِدْ زُعْبَهُ وَ مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَخْصِدُهُ) (نهج الفصاحه، کلمات قصار ۳۰۵۳)

ترجمه: هر که خیری بکارد، سود برد و هر که شری بکارد، آن را درو کند.

عملیات بینامتنی: این آیه از کلام وحی به رحمت و پاداش وسیع^۱ خداوند که در انتظار افراد نیکوکار است، اشاره دارد. بدان معنا که هر کس کار نیکی را انجام دهد، ده برابر پاداش به او داده می‌شود، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز به همان مقدار کیفر داده نمی‌شود. نکته‌ی قابل توجه این است که، برای تأکید این فراز از آیه، جمله «وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» آمده است، بدان معنا که به آنها هیچ گونه ستمی نخواهد شد و تنها به مقدار عملشان کیفر می‌بینند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۶: ۵۵) می‌توان چنین گفت که شاعر نیز در این بیت به بیان پاداش کار نیک در نزد خداوند متعال پرداخته است. شاعر این مضمون اسلامی را در شعر خود با تکیه بر آیات الهی به طرز زیبایی به کار برده است، تا ذهن مخاطب را درگیر این امر مهم کند که هیچ خللی و تسلسلی در کار خداوند متعال وجود ندارد؛ بدان معنا که هر کس کار نیکی را انجام دهد، خداوند او را بی‌پاداش نخواهد گذاشت و هر کس به نسبت کار بدی را مرتکب شود، به همان اندازه مجازات خواهد شد. «خداوند به بزرگی و فضل و کرمش، پاداش را بیشتر از اندازه‌ی استحقاق می‌دهد و گناه را عفو می‌کند و از کیفر به قدر استحقاق کیفر می‌دهد، نه بیشتر. منظور از حسنه «توحید» و منظور از سئیه «شرک» است، طبق این معنی اصل نیکبها توحید و اصل بدی‌ها شرک است» (الطبرسی، ۱۳۵۰، ج ۹: ۳۳).

شاید سرّ و نکته‌ی این که یک حسنه ده برابر و یک سیئه مانند آن پاداش و کیفر داده می‌شود، این باشد که جوهر و عنصر انسان مؤمن به طبع و ذاتش، مایل به عالم بالا و آسمانی است؛ چون مقتبس و گرفته شده از آن بالاست و هبوط و پایین آمدن به قالب جسمانی از نظر طبع و ذاتش غریب و ناآشناست. حسنه به سوی چیزی ترقی می‌کند و بالا می‌رود که موافق طبیعت آن جوهر و ماده بوده است؛ چون از جنس آن است. از این روست که حسنه ده برابر تا هفتاد برابر و برخی بدون حساب اجرو پاداش داده می‌شوند، و حسنه‌ای که شهرت و ریا و عجب و خودبینی مانع تأثیر آن نشود، مانند سنگی است که از بالا حرکت داده شود و به مانعی هم

- در آیه‌ی فوق، از پاداش ده برابر سخن به میان آمده است. این در حالی است که در برخی دیگر از آیات قرآن تنها به عنوان «ضعافاً کثیره» (البقره/۲۴۵)، یا در برخی دیگر از آیات، پاداش به هفتصد برابر نیز رسیده است. این امر به منزله‌ی اختلاف آیات با همدیگر نیست، بلکه در حقیقت، حداقل پاداشی که به نیکوکاران داده می‌شود، ده برابر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۶: ۵۶). با تصرف).

برخورد نکند، معلوم است که برای هبوط و سقوط آن نمی‌توان اندازه‌ای گرفت تا این که به غایت و هدف خود برسد (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۵۲). این در حالی است که این فراز از شعر مهیار نیز، هم اشاره‌ی ضمنی به کلام خداوند متعال دارد و هم کلام گهربار پیامبر (ص) را با توجه به آیه‌ی مذکور مورد توجه و تأیید قرار می‌دهد. ایشان با سخنان پرنغر خود، چنین فرموده که هر کس خیری را بکارد، سود می‌برد و هر کس شری را بکارد، آن را درو می‌کند. مبنی بر این که پاداش کار خوب، ثمره‌ای جز خوبی و پاداش کار بد و ناپسند نیز، نتیجه‌ای جز بدی در بر ندارد. بنابراین در بررسی روابط بینامتنی می‌توان گفت که این شکل رابطه، از نوع نفی جزئی و متوازی می‌باشد. مبنی بر این که شاعر با تأثیر پذیری کاملاً آگاهانه از آیات الهی، هم از واژگان موجود در متن غایب به بیان معنای مقصود پرداخته، نیز از درون‌مایه‌ی آیه بهره برده است.

متن حاضر:

وَ قَدْ جَعَلَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ
«لِحَيْدَرَ» بِالْخَبْرِ الْمُسْنَدِ
وَ سَمَاءَهُ مَوْلَىٰ بِإِقْرَارٍ مِّنْ
لَّو اتَّبَعَ الْحَقَّ لَمْ يَجْحَدِ

(مهیار الدیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۲۵۵).

ترجمه: یقیناً، وی (پیامبر) ولایت را برای حیدر (امام علی) قرار داد و او را سرپرست نامید، به اعتراف کسی که اگر از حق تبعیت می‌کرد، بعدها آن را انکار نمی‌کرد.

متن غایب: (وَ لَا يُوضِحُ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِبَيْدِهِ وَ مُصْعِدُهُ إِلَيَّ وَ سَائِلٌ بَعْضُهُ
وَ مَعْلِمُكُمْ أَنَّنِي كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أُخِيَّ وَ وَصِيَّتِي وَ
مُؤَالَاتُهُ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ) (خطبه غدیر) (رکنی، ۱۳۸۹: ۳۲)

ترجمه: تفسیر کتاب خدا را به جز کسی که من دست او را گرفته‌ام، و بازوی او را بلند کرده‌ام، برای شما آشکار نمی‌کند، و اعلام می‌کنم هر که من پیشوای او هستم، علی پیشوای او می‌باشد و او علی بن ابی طالب برادر و وصی من است و پیشوایی او بر شما از جانب پروردگار، بر من وحی گردیده است.

عملیات بینامتنی: شاعر در این دو بیت از قصیده‌ی خود که در مدح اهل بیت سروده است، با زبانی نغز به بیان موضوع اعلام رسمی ولایت علی (ع) و توجه و اهتمام به این مسأله پرداخته است. این در حالی است که هر کدام از ابیات در قصیده، خود نشانگر اهتمام و توجه شاعر برجسته، مهیار دیلمی، به امر مهم غدیر می‌باشد و چنین ابیاتی را که در مورد غدیر و مسأله‌ی خلافت امام علی (ع) سروده، خود گواه صادقی است که شیعه‌ی راستین بودن مهیار را به اثبات می‌رساند. می‌توان چنین گفت که در بیت اول وجود کلماتی کلیدی همچون « جَعَلَ الْأَمْرَ » و « لِخَيْدَرَ »، ذهن را به این مهم سوق می‌دهد، که منظور از کلمه‌ی « الْأَمْرَ » همان امر مهم ولایت حضرت علی (ع) می‌باشد که پیامبر آن را با قاطعیت مطرح نمود. در واقع، مضمون و ساختار معنایی این ابیات به فرازی از خطبه‌ی غدیر باز می‌گردد که پیامبر با صراحت، با زبانی شیوا و در عین فصاحت و بلاغت آن را مطرح نمود؛ بنابر این، در بررسی روابط بینامتنی این ابیات، بهره‌مندی از نفی جزئی، مبنی بر وجود واژگان کلیدی چون « جَعَلَ الْأَمْرَ » و « لِخَيْدَرَ » و « بِالْخَبْرِ الْمُسْنَدِ » ذهن مخاطب را به سوی متن غایب سوق داده است. این که شاعر با زبردستی تمام مضمون این فراز از خطبه‌ی غدیر را در شعر خود منعکس نموده است که از نفی متوازی بهره‌مند گشته؛ چرا که از مضمون آن برای بیان مقصود بهره برده است.

نتیجه:

- مضامین نغز و عمیق قرآن کریم معمولاً الهام بخش اولیاء دین، شاعران، خطیبان و بزرگان دین بوده است.
- سخنان پیامبر(ص)، به جهت ارزش و اعتبار، بعد از قرآن، محل رجوع مسلمانان است. شاعران از این سخنان گهربار، برای اعتبار و ارزش بخشیدن و نافذکردن شعر خود استفاده می‌کردند؛ چرا که زبان شعری که به سخن پیامبر(ع) استناد کرده باشد، غیر قابل انکار است.
- اشعار متعدد مهیار دیلمی ثابت می‌کند که وی از شیفتگان و عاشقان رسول خدا و اهل بیت عصمت و طهارت بوده است.
- مهیار در بسیاری از اشعار خود به موضوعات مختلفی چون واقعه‌ی غدیر، مدح اهل بیت، داستان حضرت نوح، عشق و علاقه زیاد پیامبر نسبت به سلمان و ... پرداخته است.
- مهیار دیلمی از جمله شاعرانی است، که در برخی اشعار خود، به طور مستقیم و یا غیر مستقیم با تأثیر پذیری کاملاً آگاهانه از آیات قرآنی و احادیث پیامبر(ص)، برای بیان مقصود خود بهره برده و کلام خود را به این سخنان گهربار مزین نموده است.
- ظهور آیات و مفاهیم قرآن در اشعار مهیار دیلمی قبل از هر امری نشانگر تأثیر کلام وحی بر شیوه‌ی ادبیات وی بوده است.
- بررسی روابط بینامتنی در این اشعار نشان داد که، بیشترین شکل روابط بینامتنی از نوع نفی جزئی و متوازی بوده است.

منابع:

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- آلن، گراهام، (۱۳۸۵)، بینامتنیت، پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- البستانی، فؤاد افرام، (۱۳۸۶)، **المجانی الحديثه**، قم: منشورات ذوی القربی، ج ۳.
- تزوستان، تودوروف، (۱۳۸۲)، **بوطیقای ساختارگرا**، مترجم: محمد نبوی، تهران: آگاه، چاپ اول.
- جابر، ناصر، (۲۰۰۷)، **التنصص القرآنی فی الشعر العمانی الحدیث**، **مجله جامعه النجاج للأبحاث (العلوم الإنسانی)**، مجلد ۲۱، الطبعة الأولى.
- جمعه، حسین، (۲۰۰۳)، **المسبار فی النقد الأدبی**، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العربی، الطبعة الأولى.
- داد، سیما، (۱۳۷۸)، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، تهران: مروارید.
- ذکاوئی قراکزلو، علیرضا، (۱۳۷۲)، **مجموعه اطلاع رسانی و کتابداری آینه پژوهش، زندگی و شعر مهیار دیلمی**، شماره ۲۳، صص ۳۲-۲۸.
- ردایی آملی، حسین، (۱۳۸۵)، **کلمات قصار رسول اکرم (ع)**، قم: نسیم حیات، چاپ دوم.
- رکنی، عبدالمجید، (۱۳۸۹)، **خطبه پیامبر اکرم (ص) در غدیر خم**، قم: پیام مهدی، چاپ اول.
- الزمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، **الکشاف**، بیروت: دارالکتب العربی، مجلدات ۱، ۲، ۳ و ۴.
- سبزیان مرادآبادی، سعید / کزازی، میرجلال الدین، (۱۳۸۸)، **فرهنگ نظریه و نقد ادبی**، تهران: مروارید، چاپ اول.
- الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۵۰)، **مجمع البیان**، مترجم: احمد بهشتی، تهران: انتشارات فراهانی، ج ۹ و ج ۱۰.
- الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۵۴)، **مجمع البیان**، مترجم: احمد بهشتی، تهران: انتشارات فراهانی، ج ۱۶.
- الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۵۹)، **مجمع البیان**، مترجم: محمد راضی، تهران: انتشارات فراهانی، ج ۲۷.
- الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۷۸)، **مجمع البیان**، مترجم: علی کرمی، تهران: انتشارات فراهانی، ج ۷.

عبد الباقي، محمد فؤاد، (۱۳۸۷)، **المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم**، تهران: اسلامی، چاپ نهم.

الفاخوری، حنا، (۱۳۸۵)، **الجامع فی تاریخ الأدب العربی**، قم: منشورات ذوی القربی، ج ۱، چاپ سوّم.

فیض کاشانی، محمدحسن، (۱۳۸۷)، **تفسیر صافی**، قم: نوید اسلام، مجلدات ۲، ۴ و ۶، چاپ سوم. کریستوا، ژولیا، (۱۳۸۱)، **کلام، مکالمه و رمان**، ترجمه‌ی: پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.

مختاری، قاسم؛ شانقی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، **بینامتنی قرآنی و روایی در شعر سید حمیری**، فصلنامه‌ی لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، شماره‌ی دوم، اسفندماه. صص ۲۱۵-۱۹۷.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۵)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۷، چاپ هجدهم.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۶)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۶، چاپ نوزدهم.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۶)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۹ و ج ۲۷، چاپ هفدهم.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۶)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۱۷، چاپ چهاردهم.

مکاریک، ایرناریما، (۱۳۸۵)، **دانشنامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر**، ترجمه‌ی: مهران مهاجر/ محمد نبوی، تهران: آگه، چاپ سوّم.

مهیار الدیلمی، (۱۴۲۰)، **دیوان**، تحقیق: أحمد نسیم، بیروت: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات، ج ۱ و ۲.

میرزایی، فرامرز، (۱۳۸۸)، **روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر**، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، شماره‌ی ۲۵، بهار، صص ۳۲۲-۲۹۹.

نامورمطلق، بهمین، (۱۳۸۵)، **خبرنامه‌ی فرهنگستان هنر**، سال پنجم، شماره‌ی ۴۲، ص ۲۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی